

### متن پرسش

سلام و درود بر استاد ارجمند که همواره برکت وجودتان را شکر می‌گوییم. استاد بنده از منظر جوانی که همواره شوق دینداری را در وجود خود حس می‌کرده ام ولی چیزهایی مانع این می‌شده که وارد دینداری شوم خواستم نکته ای را در مورد دینداری با جنابعالی در میان بگذارم و نظرتان را جویا شوم. گاهی در ذهن جوان امروز ما، دینداری به عنوان یک پیگیج یا بسته تصور می‌شود که اگر دینداری را انتخاب کرد مجبور است کل این بسته و پیگیج را قبول کند که البته در این بسته اینقدر مسائل فقهی از جمله حلال و حرام و مستحب و ثواب و غیره در هر امر کوچکی وجود دارد که وقتی دینداری را انتخاب کرد بیشتر از آنکه اصل دینداری را زندگی کند و تجربه کند خود را مواجه می‌بیند با این مسائل و توصیه های شرعی گسترده و انجام اعمال متناسب با آنها و در عین حال با کمبود وقت و تمرکز و حوصله. آیا به نظر شما این فقه و مسائل فقهی ما که اینگونه فربه شده است که برای کوچکترین چیزی حکم فقهی دارد خود مانعی نیست برای روی آوردن جوانان به دینداری؟ مگر جز این است که اصل دینداری ما را از مقام سرکشی به مقام بندگی و عبودیت برساند و ما حضور خدا را حس کنیم و همواره و در همه لحظات با خدا به سر ببریم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! دینداری امری نیست جز رجوع به خدایی که در عین بیکرانگی بسی متعالی است و برای رجوع به خودش، راهی از طریق انبیای الهی در مقابل ما گشوده است که همان معارف عالیه و اخلاق فاضله و احکام شرعیه است و جایگاه احکام شرعی را فقه و فقیه تعیین می‌کند برای رجوع به خدا. و این جا است که بعضاً همه دین تبدیل به احکام می‌شود در حالی که رسول خدا «صلوات الله علیه‌واله» فرمودند: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ» من به آیین استوار و بدون انحراف و راحت و آسان مبعوث شده‌ام». آری! بالاخره ادب عبودیت، رعایت احکام الهی است همان طور که در جواب سؤال شماره ۳۶۴۵۵ عرض شد، ولی نه آن طور که موجب تحجّر و توقف گردد. موفق باشید